

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

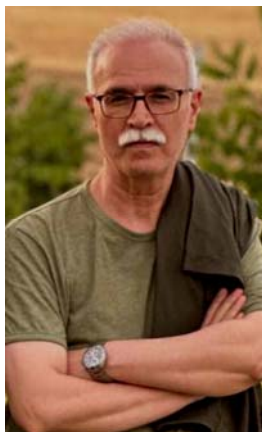
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دکتر محمد قراگزلو

۲۵ مارچ ۲۰۲۴



دکتر محمد قراگزلو

ریشه‌های ترور در کروکوس مسکو!

الف. شب ۲۲ مارچ جبهه جدیدی در میدان جنگ بی پایان در سالن تئاتر و موسیقی کروکوس مسکو باز شد. به عبارت دیگر همه وعده هائی که خانم ویکتوریا نولند در تاریخ ۲۲ فبروری سال جاری از شبکه تلویزیونی CSIS اعلام کرده بود و آن را در متن کمک مالی جدید به دولت نئوفاشیست اوکراین در قالب تقویت جبهه های شرقی و وقوع یک "سورپرایز" خوانده بود به وقوع پیوست.

ب. در تاریخ ۸ مارچ و دو هفته پیش از فاجعه ترور در کروکوس سفارتخانه های دو دولت اصلی حامی گنگ باندراها به شهروندان خود هشدار داده بودند که از حضور در مراکز شلوغ خرید و فروش و تئاترها و سینماها و اماکن مشابه بپرهیزند. آنان برای خالی نبودن عریضه یک رونوشت صوری و کلی از این "توصیه نامه" را به وزارت خارجه روسیه نیز داده بودند تا روز واقعه بازي مزخرف و خونین "کی بود کی بود من نبودم" را به صحنه ببرند. درست به همین سبب بود که به محض وقوع فاجعه ترور در کروکوس و در حالی که:

هنوز آمبولانس ها به محل نرسیده بودند

هنوز مرکز فرهنگی در شعله های آتش می سوخت

هنوز سقف آن فرو نریخته بود

هنوز زخمی های نیمه جان در حال احتضار بودند

هنوز مأموران "سرویس امنیت فدرال روسیه" خود را جمع و جور نکرده بودند

هنوز انگشتان کرملین هیچ متهمی را نشانه نگرفته بود

هنوز چهار تروریست مستقر در رنوی سفید رنگ با شماره قلابی T668 – به نام های : Makhmadrasul

Nasridinov, 37 years

-old/ Rivozhidin Ismonov, 51 y o/ Shokhinjonn Safolzoda, 21 y o/ Rustam Nazarov. 29 y o.

شناسائی نشده بودند

هنوز هیچ کدام از این جنایتکاران حرفه ئی خود را به مهد دمراسی لیبرال فاشیستی اوکراین نرسانده بودند و در جنگل های منطقه "بریانسک" واقع در ۱۰ کیلومتری مرز اوکراین سرگردان بودند....

وزارت خارجه آمریکا طی بیانیه ای ضمن محکوم کردن "سورپرایز" خانم نولند از سوی دولت دست نشانده اش در کی یف اعلام کرد که "اوکراین دخالتی در این حادثه تروریستی نداشته است!" هم آقای پرایس و هم رئیس وی جناب بلینکن حق داشتند از "هول حلیم در دیگ بیفتند!" هنوز "چوب مسکو" برداشته نشده بود که "گربه دزد" پا به فرار گذاشته بود.

اما بگذارید ببینیم ریشه فاجعه ترور در سالن فرهنگی کروکوس از کجا آب می خورد و چرا در این شرایط و موقع زمانی خاص در دستور کار قرار گرفته است؟ نکته پیدا است که به دلیل مجال اندک پس از فاجعه و اطلاعات محدود ما نمی توانیم مانند بیانیه وزارت خارجه آمریکا به تائید و تکذیب پردازیم!

۱. دو سال و یک ماه پس از تطاول شرورانه ناتو و دولت دست نشانده اش (اوکراین) به مرزهای فدراسیون روسیه، امروز حتا خوش بین ترین سیاستمداران غربی نیز از شکست نهائی بلوک آتلانتیک شمالی در مقابله با روسیه سخن می گویند. دلایل این شکست دیگر به تحلیل و تفسیر محدود نمی شود. همه فکت ها به وضوح نشان می دهند که تمام تلاش های ناتو در راستای کمک های سخاوتمندانه نظامی و مالی و لجستیکی و اطلاعاتی و حتا اعزام مستشاران نظامی به اوکراین شکست خورده است. در تاریخ ناتو این شکست مفتضحانه در تقابل با روسیه بی بدیل است. چنین شکستی چنان فضاحت بار بوده است که کوتوله های ناتو از جمله مکرون و شولتز را واداشته تا از اعزام نیروهای نظامی به جبهه های جنگ سخن گویند. آنان با طرح این پرووکاسیون که "بعد از اوکراین نوبت پولند است" از مدت ها پیش به طور مخفی و علنی نسبت به اعزام مزدوران کرایه ئی خود به اوکراین اقدام کرده اند. بنا به گزارش های معتبر از ۲۴ فروری ۲۰۲۲ و آغاز نبرد تدافعی و پیشگیرانه روسیه علیه ناتو بیش از ۱۳۳۸۷ نفر مزدور خارجی از پولند و گرجستان و آمریکا و کانادا و بریتانیا و رومانی و المان و فرانسه به قصد جنگ با ارتش فدراسیون روسیه به جبهه ها فرستاده شده اند. از این میان به طور قطعی ۵۹۶۲ نفر مزدور به هلاکت رسیده و به دیار و دیدار استفان باندرا و هاینریش هیملر شتافته اند! این حجم از اعزام نیروی زمینی به ویژه پس از فتح باخموت و بلغورود نشان می دهد که تانک های لئوپارد المانی و سویدنی و آبرامز و بردلی امریکائی و هویتزر و جاولین و هایمارچ و سیستم ضدهوایی پاتریوت و راکت های کروز و سیستم پدافند ناسام و غیره کارائی خود را از دست داده اند. روسیه در نبرد بزرگ به منظور نازی زدائی و انهدام نظام نظامی اوکراین نه فقط این دولت شرور را تا کنون سه بار خلع سلاح کرده است بلکه شاخ ناتو و به ویژه آمریکا و فرانسه و المان و بریتانیا را نیز شکسته است.

در نتیجه دسیسه امپریالیسم آمریکا و ناتو و حماقت توأم با بلاهت رهبران گیج اوکراین این سرزمین اکنون به همان شعر مشهور تی. اس. الیوت مانسته است: سرزمین بی پرده و بهار.

۲. انتخابات دموکراتیک روسیه و مشارکت بی سابقه ۸۷ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر از مردم با حضور و دخالت سیاسی حزب کمونیست این کشور و رأی ۸۷.۲۸ درصد مردم روسیه (۷۶ میلیون و ۲۷۷ هزار و ۷۰۸ رأی) به ولادیمیر پوتین (۳ میلیون و ۷۶۸ و ۴۷۰ رأی به خاریتوئوف نماینده حزب کمونیست) به اسکاندال ناتو و نخبگان بورژوازی

غرب علیه نظام سیاسی حاکم بر فدراسیون روسیه پس از نبرد اوکراین پایان داد. مرگ مشکوک ناولنی و برنامه دستگاه های جاسوسی امریکا و بریتانیا به منظور اختلال در انتخابات با این نتایج نقش بر آب شد.

این نکته که نظام اجتماعی تولید در روسیه کنونی بورژوائی است و الیگارش ها کم و بیش بخش هایی از قدرت را در اختیار دارند فی الحال موضوع سخن ما نیست. مسأله این است که اتاق های فکر ناتو با شروع جنگ علیه روسیه بر این باور بودند که به محض رسیدن تابوت های سربازان روسی به شهرها از یک سو و تحریم های سنگین از سوی دیگر و البته انسداد دارائی های روسیه (۳۰۰ میلیارد دلار در بانک های غربی) دولت متزلزل و بحران زده خواهد شد. اینک اما تمام آن خیال های خام و خواب های خوش به یک کابوس تمام عیار تبدیل شده است. به استناد گزارش های مکرر بلومبرگ نه فقط ارزش برابری روبل روسیه به سه برابر پیش از جنگ در مقابل دلار ارتقا یافته است بلکه شکوفائی اقتصادی می رود که این کشور را به عنوان اقتصاد چهارم دنیا به جای فرانسه بنشانند. انعکاس هم همه شوم ترور در کروکوس مسکو خاک پاشیدن بر این پیروزی بزرگ را نیز دنبال می کرد.

۳. با وجود وحشیانه ترین نسل کشی تاریخی در غزه واقعیت محرز این است که ناتو و پاسگاه ژاندارمری اش در منطقه در دستیابی به اهداف خود شکست خورده اند. زامبی های صهیونیست متعاقب عملیات متهورانه ۷ اکتوبر با این برنامه شوم وارد باریکه غزه شدند که با سرعت تانک های مرکاوا کار مقاومت فلسطین را یک سره کنند. فاشیست های تل ابیب با تداعی پیروزی در جنگ شش روزه - آنها با وجود رهبر بی بدیلی همچون جمال عبدالناصر - گمان می زدند به پشتوانه پشتیبانی بی چون و چرای امریکا عملیات آسانتری نسبت به سال ۱۹۶۷ در پیش خواهند داشت. آنان حتا حوادث جنگ اکتوبر ۱۹۷۳ را در اذهان آخرالزمانی خود مرور می کردند. اینک اما ۱۷۰ روز از سبعانه ترین یورش یک رژیم تمام عیار فاشیست به مردمی بی دفاع گذشته است. بیش از ۳۳ هزار غیر نظامی - که ۷۰ درصد آنان کودک و زن هستند - به خاک و خون غلتیده اند. نزدیک به ۸۰ هزار نفر مجروح شده اند. هزاران پیکر بی جان زیر آوار مانده است. در نهایت این که قطعنامه جنایتکارانه امریکا از سوی روسیه و چین در سازمان ملل وتو شده است. افسران آدمکش "بی بی" بیمارستان شفا را به محاصره خود در آورده اند و برای زدن گردان های مقاومت حماس و یافتن یحیا سنوار در آستانه یک نسل کشی دیگر در شهر رفح ایستاده اند. اهداف اصلی زامبی ها مبنی بر "آزادی گروگان ها" و نابودی حماس بعد از نزدیک به شش ماه بمباران و گلوله و توپ باران هوائی و زمینی و بحری عملاً شکست خورده است. انهدام خانه ها و بیمارستان ها و مدارس و اردوگاه های یک زاغه و زندان سر باز با مساحت ۳۶۰ کیلومتر لکه ننگی است که برای همیشه بر پیشانی دمکراسی لیبرال غرب و پاسگاه آن حک خواهد ماند. ترور در کروکوس را بر بستر شکست ناتو و پاسگاه آن در غزه نیز می توان ارزیابی کرد.

۴. این که تروریست های عملیات کروکوس با تحریک و پول برخی سیاستمداران صهیونیستی و چشم بستن "میت" (سازمان امنیت ترکیه) وارد روسیه شده اند....

این که برکناری والری زالوژنی و انتصاب سرلشکر کاپریلو بودانوف (یک مقام امنیتی پولیسی به جای یک جنرال) و حمله پهبادی به شهرهای روسیه چه نسبتی با این ترور مذبحانه دارد....
این که سازمان داعش - که تا کنون یک گلوله به سمت رژیم صهیونیستی شلیک نکرده - کجای داستان این ترور قرار گرفته است....

این که تروریست ها پس از عملیات قصد پناهندگی به دمکراسی اوکراین را داشته اند و در نزدیکی مرز نازی ها دستگیر شده اند....

این که تکذیب عجیب و بشدت زود هنگام امریکا مؤید دخالت آنان در این عملیات شرم آور و پلشت است....

و ده ها مورد دیگر یک روی سکه فاجعه ترور در کروکوس مسکو است. بی شک مقام های کرملین با اتخاذ ستراتیژی صحیح از پس این معضل نیز برخواهند آمد. شکیبائی پوتین و حتا مدودوف در مواجهه با بحران ها براستی شگفت انگیز است. خاموش کردن بلوای پریگوژین یک نمونه از این بردباری است. ملاحظه جان شهروندان اوکراینی و عدم استفاده از سلاح های کشتار جمعی به منظور جمع کردن فوری بساط نازی ها و بیرون راندن ناتو از منطقه نمونه بارز دیگر این صبوری است.

با این حال ترور در کروکوس می تواند کنار زدن آخرین پرده از نبرد در اوکراین باشد. از این نکته مهم تر این که با درهم پیچیدن تومار نفوفاشیسم در دموکراسی لیبرال اوکراین عملاً پرچم ناتو نیز پائین کشیده خواهد شد. با افول هژمونی ناتو در منطقه ما، رژیم صهیونیستی نیز تضعیف شده و بیش از همیشه رو به زوال خواهد رفت. اگر از بریکس و جهان ظاهراً چند قطبی تا کنون آبی برای جنبش های کارگری و سوسیالیستی گرم نشده است باید پاشنه آشیل ماجرا را در جای دیگری جست.

با هزیمت ناتو و فروپاشی رژیم صهیونیستی، خاورمیانه این ظرفیت را دارد که بستر عروج جنبش های سوسیالیستی شود و به کسب قدرت سیاسی از سوی طبقه کارگر متحزب و متشکل پر و بال دهد. این دیگر وظیفه و مسئولیت خطیر سوسیالیست ها است که ضمن مبارزه بی امان با فاشیسم و لیبرالیسم در همه عرصه های داخلی و خارجی، سازماندهی کارگران را در دستور کار فوری خود قرار دهند.

مسئله به سادگی این است: شکاف ناشی از افول و خروج شرمگینانه ناتو و سقوط پاسگاهش در منطقه با کدام بدیل پر خواهد شد؟ سرمایه داری و سرمایه گذاری چین و روسیه و هند یا سوسیالیسم کارگران؟

۵ فروردین- حمل- ۱۴۰۳